موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

حدیث 30 از مراجعه 48

در این روایت پیامبر اکرم (ص) به امیرالمومنین (ع) فرمود: «يا علي، لا يحل لأحد أن يجنب في المسجد غيري و غيرك»: ای علی برای جز من و تو جایز نیست کسی در این مسجد جنب باشد. مانند همین روایت است آنچه طبرانی از ام سلمه از بزار نقل کرده که پیامبر خدا (ص) فرمود: «لا يحل لأحد أن يجنب في هذا المسجد إلّا أنا و علي»[[1]](#footnote-1).

علامه شرف الدین می فرماید این حدیث را ابن حجر در الصواعق نقل کرده است. و درباره آن به مطالبی که در مراجعه 34 در این خصوص بیان شده رجوع شود، زیرا در آنجا روایات مربوط به آنجا بیان شده است. وی در آنجا این حدیث را از المسند، احمد بن حنبل، و سنن ترمذی، المستدرک حاکم نیشابوری، کنز العمال متقی هندی، صواعق المحرقه ابن حجر مکی، المناقب المغازلی و ینابیع الموده قندوزی حنفی از 17 نفر از صحابه نقل کرده است.

در مورد سند این روایت به همان جا رجوع کنید اما در مورد مدلول آن نکاتی است که بیان آنها سودمند است.

1. مقصود از این روایت این نیست که پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) داخل مسجد ساکن شوند و جنابت در همان جا واقع شود، بلکه مقصود این است که با حال جنابتی که در محل سکونت عارض شده، با همان حال وارد مسجد شوند. شاید وجه این تعبیر این است که چون خانه پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) متصل به مسجد بود و درب آن به سوی مسجد باز می شد، در روایت تعبیر «أن یجنب فی المسجد» آمده است. ترمذی در سنن خود و [[2]](#footnote-2) قرطبی در الجامع لاحکام القرآن[[3]](#footnote-3) این مطلب را بعد از نقل روایت بیان کرده اند.

2. همان طور که قرطبی نیز گفته است پیامبر اکرم (ص) از سوی خدای متعال احکام ویژه ای داشته اند که دو مورد از آنها بازکردن درب خانه به مسجد و جواز ورود به مسجد در حال جنابت بوده است. آن حضرت به دستور خداوند متعال علی (ع) را در این حکم شریک خود نمودند. قرطبی می گوید: «و یجوز أن یکون ذلک تخصیصا لهما و قد کان النبی(ص) خصّ باشیاء و یکون هذا مما خص به ثم خص النبی (ص) علیا فرخص له فیما لم یرخص فیه لغیره».[[4]](#footnote-4)

نکته مهم در این باره این است که اختصاص این حکم به پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) از باب تخصص بوده است نه تخصیص. به این معنا که خباثتی که از نظر جسمی و روحی برای انسان در اثر جنابت حاصل می شود و آن خباثت مناسب مسجد و خانه خداوند نیست، این عارضه برای این دو بزرگوار حاصل نمی شده و لذا واردن شدن آنها با این حال به مسجد با قداست و طهارت آنجا منافاتی نداشته است. موید این مطلب آن است که امام علی (ع) در احتجاح با شورای خلافت، دستور ویژه پیامبر اکرم (ص) درباره باز بودن درب خانه ایشان به مسجد و جایز بودن وارد شدن ایشان با حال جنابت به مسجد را یادآور شدند و این را مترتب بر آیه تطهیر نموده فرمودند: «أ فيكم أحد يطهّر كتاب اللّه غيري حتّى سدّ النبيّ صلّى اللّه عليه و آله أبواب المهاجرين جميعا و فتح بابي إليه».[[5]](#footnote-5)

برخی از محققان به این نکته (جواز ورود اینان به مسجد در حال جنابت، به خاطر عارض نشدن عوارض جنابت) توجه کرده و آن را بیان کرده اند. علامه شیخ محمد مظفر در کتاب دلائل الصدق[[6]](#footnote-6) گفته است این ویژگی برای ایشان صرفا یک فضیلت اعتباری نبود بلکه یک فضیلت تکوینی است و دلالت بر طهارت آن حضرت دارد به گونه ای که برای امیرالمومنین (ع) جائز بود در حال جنابت وارد مسجد شده و در آن بخوابد همان گونه که برای پیامبر اکرم (ص) جایز بود زیرا غرض عمده از بسته شدن درب ها به مسجد این بود که مسجد از مکروهات و آنچه مربوط به خانه است پیراسته باشد.[[7]](#footnote-7)

علامه امینی نیز در کتاب الغدیر[[8]](#footnote-8) این بحث را بیان کرده و به آیه تطهیر، روایت ابن عباس و احتجاج امیرالمومنین (ع) در شورای خلافت استناد کرده است. در روایت ابن عباس آمده است پیامبر اکرم (ص) به امیرالمومنین (ع) فرمود: موسی (ع) از خداوند خواست که مسجدش را برای هارون و ذریه اش طاهر گرداند و من هم از پروردگارم خواسته ام که مسجد را برای من و تو و ذریه تو پاکیزه نماید.[[9]](#footnote-9) این به معنای آن است که این ویژگی جنبه تکوینی داشته و عوارض بشری باعث نمی شد حالت روحی و معنوی آنها بهم بخورد.

3. نحوه دلالت این حدیث بر امامت چنین است که این روایت بر افضلیت و عصمت آن حضرت دلالت می کند زیرا بیان می کند که مقام و مرتبه روحی امیرالمومنین (ع) همانند مقام و مرتبه روحی پیامبر (ص) است و در نتیجه همانند ایشان از افضلیت و عصمت هم برخوردار است. و از آنجا که افضلیت شرط امامت است (تفتازانی می گوید: معظم اهل سنت قبول دارند که با وجود افضل، در امامت نوبت به مفضول نمی رسد) و نیز عصمت، دلالت این روایت بر امامت امیرالمومنین (ع) روشن است.

علامه مجلسی در بحارالانوار بعد از بیان حدیث سدالابواب و روایات مربوط به آن از منابع شیعه و اهل سنت اینگونه نتیجه می گیرد: این خبر متواتر بر فضلیتی جلیل و منقبتی نبیل دلالت می کند که مستلزم خلافت و امامت و عصمت و طهارت است. به همین خاطر است که آن حضرت در جلسه شورا که بحث خلافت و امامت بود به آن احتجاج نموده است.[[10]](#footnote-10)

انشاءالله حدیث 31 در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، امام شرف الدین، ص 341 [↑](#footnote-ref-1)
2. سنن، تزمذیف ج4، ص 479، ح 7332 ؛ [↑](#footnote-ref-2)
3. الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج5، ص 200 [↑](#footnote-ref-3)
4. الجامع لاحکام القرآن، قرطبیف ج5، ص 200 [↑](#footnote-ref-4)
5. مناقب خوارزمی، ص 314- 315، ح 314 [↑](#footnote-ref-5)
6. آل مظفر سه برادر بودند: شیخ محمد حسن مظفر که برادر بزرگتر بوده و صاحب کتاب دلائل الصدق است. (این کتاب پاسخ بر اشکالات فضل بن روزبهان اشعری بر کتاب نهج الحق و کشف الحق علامه حلی است). [↑](#footnote-ref-6)
7. دلائل الصدق، محمد حسن مظفر، ج2، ص 403 [↑](#footnote-ref-7)
8. الغدیر، علامه امینی، ج3، ص 299- 301 [↑](#footnote-ref-8)
9. جامع الاحادیث، سیوطی، ج16، ص 274، ح 7931 [↑](#footnote-ref-9)
10. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج39، ص 34 [↑](#footnote-ref-10)